

تاریخ و جایگاه

منبر دار مسجد

ذکر الله محمدی

اولاً، ماهیت حکومتهای مذکور تا حدود زیادی شبیه حکومتهای ایران و بیزانس بود.

ثانیاً، اکثر هنرمندان و معماران دوره اموی از بیزانس و دوره عباسی از ایران بودند، و طرحهای هنری خود را در بهتر جلوه دادن متاثر به کار می گرفتند.

در دوران مکی پیامبر (ص)، به هیچ وجه از وسیله ای به نام منبر برای تبلیغ و ترویج اسلام استفاده نمی شد. پیامبر اکرم (ص) به هنگام تبلیغ دین از مکانهای بلندی همچون تپه استفاده می کردند یا بر بالای سنگهای بلندی همچون حجر اسماعیل قرار می گرفتند، و هنگامی که اشراف بر مردم پسا می کردند به تبلیغ می پرداختند. اما هنگام هجرت به مدینه و ساختن مسجد قبا و مسجدالنبی، برای اولین بار از صندلی پله داری به نام منبر استفاده شد.

هرچند اسروره از منبر آن حضرت هیچ گونه اثری باقی نمانده است، اما به لحاظ امیثی که مسلمانان به منبر حضرت رسول اکرم (ص) مثل سایر آثار وی قائل بودند، لذا اطلاعات دقیق و مفصلی از جزئیات آن منبر در طول تاریخ توسط محققان، چترافیدانان و مورخان داده شده است. شهاب الدین احمد نویری در کتاب نهای الارب می گوید: محملمبن سعد در کتاب طبقات خود با سندی از ابوهریره نقل می کند که پیامبر (ص) روزهای جمعه در حالی که کنار ستونی در مسجد ایستاده بودند، خطبه جمعه را قرائت می فرمودند تا اینکه فرمودند: ایستاده برای من سخت است.

تعمیر داری گفت: اجازه می دهید برای شما منبری به آن گونه که در شام دیده ام، بسازم. پیامبر (ص) در این مورد با مسلمانان مشورت کردند. آنها پشتیبانند که پیامبر (ص) منبری داشته باشد.

عباس بن عبدالملک گفت: من غلامی دارم به نام کلاب که از همه هنرمندانتر است.

پیامبر فرمودند: به او دستور بده بسازد. عباس او را به پیش فرستاد تا شروع بزرگی را قطع کرد و از آن منبری ساخت که ۲ پله و یک جای نشستن داشت. سپس، آن را آورد و دو محلی که امروز هم منبر رسول خدا (ص) آنجاست، گذاشت.

تعریف منبر

در مورد معنای واژه منبر چنین گفته اند: محل مرتفع برتقب الخطیب او الراءظ یکلم منه الجمع، سمی به لارتفاعه و کسرت الیم علی التشبیه بالآلة^۱ (مکان بلندی که واعظ و خطیب از آن بالا می رود و به وعظ و خطابه می پردازد. همچنین مذکور بودن آن کلمه به جهت تشبیه است به اسم آلت).

جمع واژه منبر، منابر است. در زبان فارسی واژه های متعددی چون کرسی، اورنگ، سریر و تختگاه وجود دارد که تا حدود زیادی از نظر شکل و ظاهر فیزیکی، مشابه و مترادف همین منبر است، اما کاربرد وسایل مذکور نه برای وعظ و خطابه، بلکه برای جلوس و بار دادن پادشاهان در نظر گرفته شده است.^۲

تاریخ ساخت منبر

هر چند - همچنانکه مطرح شد - در دوران پیش از اسلام، پادشاهان ایران و روم و حتی برخی از حکام محلی از وسیله ای به نام کرسی یا تختگاه به هنگام جلوس یا برای دیدار با بلندپایگان کشورهای دیگر استفاده می کردند، اما قطعاً پیامبر اکرم (ص) در ساختن و استفاده از منبر نه از آنها متأثر شد و نه هدف آنها را دنبال کرد. به قول بوردکهارت، این مسئله را باید کاملاً تصادفی تلقی کرد. شاید بهتر است گفته شود، ضرورت مسئله ایجاد می کرد. البته، نباید این موضوع را انکار کرد که حکومتهای اموی و عباسی در تغییر شکل ظاهری منابر و تزئین و آرایش آنها، از تمدنهای پیش از اسلام تأثیر پذیرفته بودند، زیرا:

هم قرار داشت. یکی از آنها از بین رفت، و یکی از آنها در سال ۱۹۸ هـ. قی کشته شد و به امر داود بن عباس، دوباره آن چوب را به جایش قرار دادند. دو دیواره منبر ده تکه چوب ثابت قرار داشت که از کنارهای سروان بود. از بالا تا پایین منبر در سه جانب آن روزنه‌های منقوشی وجود داشت. و نیز دو نشته‌ای که سروان نهاده بود، از جانب مشرق ۱۸ روزنه منقوش وجود دارد که به شکل مربع متساویانند. و دو سمت مغرب نیز ۱۸ روزنه مربع شکل نمیه گردیده است.^{۱۴}

ابن رسته علاوه بر توضیح وضعیت منبر رسول اکرم (ص) در دوره امویان، مشخصات ظاهری آن را در زمان خودش (قرن ۳ هـ. ق) نیز بیان می‌کند. وی می‌گوید: اما امروزه طول منبر چهار ذراع و عرض آن یک ذراع و یک وجب با کمی اختلاف می‌باشد. بین انارک پایین (کر: چوبی که روی دستگیره منبر بود) و انارک پیشین منبر رسول خدا (ص) یک ذراع و یک وجب بود. امروزه طول منبر از پایین پله تا محل نشستن (عرشه منبر)، ۷ ذراع و طول آن در روی زمین ۶ ذراع می‌باشد. عرشه منبر دو وجب و چهار انگشت در دو وجب و چهار انگشت و سطح آن به شکل مربع است، و فاصله میان پایه‌های اصلی منبر رسول خدا (ص) تا انارک آن پنج وجب و ششده است و عرض پله‌ها دو وجب و ارتفاع آنها یک وجب است.^{۱۵}

منبر اصلی حضرت پیامبر (ص) طامار آرد حریرین سال ۶۵۲/۱۲۵۶ م سوخت،^{۱۶} و از آن پس در هیچ منبع و مآخذی از منبر پیامبر (ص) سخنی گفته نشد.

بعد از منبر پیامبر اکرم (ص)، نخستین منبر با ارتفاع بسیار زیاد، توسط معاویه ساخته شد. بنا به گفته نوری، معاویه نه تنها بر منبر حضرت پیامبر (ص) چند پله اضافه کرد، بلکه برای خودش نیز دو شام منبری درست کرد که ۱۵ پله داشت.^{۱۷} شاید معاویه دو ساخت آن منبر از نختگاههای بیزانس و اورنگهای سلاطین ایران تأسی جست است، زیرا وی بسیار علاقه مند بود به شیوه امپراتوران روم و پادشاهان ایران حکومت بکند. برای چنین منظوری، وی فضا گویان و ناقلان داستانهای پادشاهان مذکور را دور خودش جمع کرده بود، و با علاقه وافر به اخبار آنها گوش می‌داد.^{۱۸}

البته، برخی از مورخان معتقدند که پس از منبر پیامبر، نخستین منبری که ساخته شد، منبری بود که یک نجار قبطی برای مسجد عمروهاص در قسطنطنیه مصر ساخت. شاید به لحاظ تخصص و مهارت بسیار بالای نجیبان در کنده کاری و حکاکی روی چوب بود، که ساعتی ترین اولین منابر اسلامی را به آنان نسبت داده‌اند.^{۱۹}

مقلوبه منبر رفته رفته در جهان اسلام آنچنان جا افتاد که یکی از لوازم متمم مساجد همده شهرهای بزرگ شد، تا آن اندازه که برای مسلمانان نشانه‌ای بود از حکومت الهی. و چون خلفای اموی و عباسی شخصاً به خواندن خطبه نماز جمعه - که هم جنبه سیاسی و هم جنبه عبادی داشت - می‌پرداختند، لذا دو همه

پیامبر (ص) بر منبر ایستادند و فرمودند: این منبر من بر ترعه‌ای از ترعه‌های بهشت قرار دارد، و پایه‌های آن دو بهشت استوار است.^۵

نقل شده است که پیامبر اسلام (ص) به هنگام خواندن خطبه، بر پله سوم (نشگاه) می‌نفتند و پاهایشان را به پله دوم می‌گذاشتند. ابوبکر به لحاظ حرصی که به جاه‌گیا پیامبر قائل بود، در پله دوم می‌نفت و پاهایش را به پله اول می‌گذاشت. عمر بن خطاب در پله اول می‌نفت، و پاهایش را به زمین می‌گذاشت.^۶ یعقوبی می‌گوید: خلیفه سوم، عثمان بن عفان، چون به خلافت رسید، این سنت را شکست و به بالای منبر رفت و در همان جایی که پیامبر خدا (ص) در آن می‌نفت و نه ابوبکر و نه عمر در آن نشسته بودند، نشست، پس، مردم در این باره به سخن آمدند و برخی از ایشان گفتند: امروز شر شدید آمد.^۷

از همین زمان، نشستن بر فراز منبر جزء یکی از تشریفات محسوب شد و خلفای اموی و عباسی نیز همان شیوه را دو پیش گرفتند. گویا، معاویه نخستین کسی است که در منبر حضرت پیامبر (ص) تغییراتی داد. به گفته سعیدی در مروج الذهب: معاویه دو سال بنجامع هجری به حج رفت و بگفت تا منبر پیشمیسر و از مسلینه به شام برود. و چون منبر را برداشند، غورنشیند بگرفت و ستارگان نمودار شد. و معاویه متوحش شد و منبر را به جای خود بازپس برد و شش پله بر آن افزود.^۸ یعقوبی نیز با اندک تفاوتی همان واقعه را ذکر کرده و گفته است که چون معاویه خواست منبر پیشمیر خدا را عمل کند، منبر را زلزله‌ای گرفت که مردم گمان بردند آتش دنیا است و از این رو آن را رها کرد و پنج پله از پایین آن افزود.^۹ از آنجایی که نوری نیز ۸ پله را در دوره معاویه تأیید می‌کند،^{۱۰} لذا سخن یعقوبی درست به نظر می‌رسد، چرا که اگر معاویه ۵ پله بر آن افزوده باشد، با ۳ پله قبلی دوره حضرت رسول اکرم (ص)، ۸ پله می‌شود.

گفته‌اند از معاویه، سروان بن حکم نیز زمانی که از سری معاویه حاکم مدینه بود، با حفظ اصل منبر رسول اکرم (ص)، تغییراتی در آن ایجاد کرد. این رسته در الاطلاق التیسیه کم و کیف منبر آن حضرت را در دوره حکومت سروان در مدینه توصیف می‌کند و می‌گوید: ارتفاع منبر رسول خدا (ص) با چوبی که سروان ساخت، ۳/۵ ذراع^{۱۱} بوده است، اما ارتفاع حقیقی منبر ۲ ذراع است. و طول و عرض پایه آن یک ذراع در یک ذراع است، و به شکل مربع می‌باشد. پله‌های منبر رسول خدا (ص) با پله‌هایی که ساخته بود تماماً ۹ عدد می‌باشد، ولی پله‌های اصلی با عرشه (جای نشستن) سه عدد است. هنگامی که پیامبر (ص) روی منبر می‌نفت، در پشت آن سه چوب جدا از

مساجد آدینه (جامع) منابر مجللی به عنوان جاهگاه خواناند خطبه و مرعظه برای ایشان و والایشان برقرار شد. متأسفانه، هیچ نوع منبری از قرون نخستین اسلامی باقی نمانده است و نخستین و تنها منبری که تاکنون حفظ شده، منبر مسجد سیدی عقبه فیروان است. تاریخ دقیق ساخت آن، بلدرستی مشخص نشده است. برخی آن را به دوره هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ هـ. ق) نسبت داده‌اند،^{۱۸} و برخی دیگر آن را از قرن ۳ و ۴ هـ. ق دانسته‌اند. اما به هر حال، فرد مسلم این است که منبر مذکور در دوره عباسیان و توسط یکی از امرای اغالبه - که دست نشانده خلفای عباسی در تونس بودند - از بغداد به فیروان انتقال یافته است. این منبر ساختی جالب دارد، و تمام آن از تکه‌های چوب است که به شیوه شایسته انگیزی کنده کاری و تزیین شده است.

تغییر و تکامل شکل ظاهری منبر

همچنانکه عرض شد، منابر اولیه بسیار ساده و دارای پله‌های محدودی بودند. اصولاً، منابر از لحاظ ساختمانی از ۲ مثلث مسطح در ۲ بدنه تشکیل می‌شدند که در بین این دو، یک ردیف پله قرار می‌گرفت که خطیب را به بالاترین قسمت که عرشه یا نشگاه است می‌رساند. اما رفته رفته، ارتفاع و فرم منابر نیز بنابر نقشه کلی ساختمان، دارای تغییرات گوناگونی شد:

اولاً، بر ارتفاع آنها افزودند، چنانکه منابر ۹، ۷، ۱۱ و ۱۵ پله‌ای به وجود آمد.

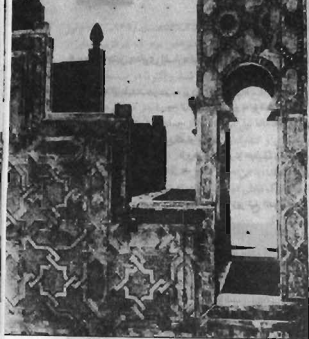
ثانیاً، دری در برابر پایین‌ترین پله گذاشته شد.

ثالثاً، آسمانه، گنبد یا سریناهی بر فراز نشگاه نهاده شد. وابعاً، منابر از حالت سادگی درآمد و آئینان مورد آرایش و تزیین هنرمندان قرار گرفت، که به عنوان یکی از عناصر مهم و زیبای تزیین مساجد به حساب آمد.

تینوس بوركهارت تاریخ این تغییرات را به دوره سلجوقیان نسبت می‌دهد، و می‌گوید: «از زمان سلجوقیان، این پدیده ساده (منبر) دارای سریناهی بر بالای بلندترین پله و دری در برابر پایین‌ترین پله شده است»^{۲۰}. شاید همین تغییرات باعث شد که برخی از علما، آن را نشانه نخوت خلفا و خطبای بداند، و معترض این گونه تغییرات شوند.^{۲۱} اما نکته قابل تذکر این است که معمولاً انتخاب پله‌ها بر مبنای اعداد مذکور در جهان اسلام، توجیهات نمادی داشته و برگرفته از معارف و پیش اسلامی بوده است. مثلاً انتخاب عدد ۷ به لحاظ نمادی هفت آسمان و هفت زمین، و عدد ۹ کنایه از حرش اعلا است که فلک نهم باشد، چنانکه نظامی هم به آن اشاره کرده و می‌گوید:

کرسی شش گوشه به هم درشکن

شبر نه پایه به هم در فکن^{۲۲}



منبر مسجد کوفه، معروف

جنس منبر

مسلمانان در طول قرنهای متصادم، منابر مساجد را از چوبهایی - و آن هم از نوع خوب و زیبای آن - همچون آبنوس، گز و سدر می‌ساختند. نخستین منبر چوبی، منبر حضرت رسول اکرم (ص) بود.

نویزی در مسود داستان ساخت و نوع چوب آن، چنین می‌نویسد: «از سهل بن سعد پرسیدند: منبر رسول خدا (ص) از چه چوبی ساخته شده است؟
گفت: پیامبر (ص) کسی را به سراغ فلان زن فرستاد و پیام داد که به غلام جزودگر خود بگو، برای من چوبهایی را متصل به هم سازد که بر آن یا مردم صحبت کنم.

و او این منبر را که ۳ پله داشت از شوره گز پیشه ساخت. و پیامبر دستور فرمود که آن را همین جا کار گذاشته»^{۲۳}. وی چنین ادامه می‌دهد: «از باقوم رومی هم روایت است که گفته است: من از شوره گز برای پیامبر (ص) منبری ساختم که یک جای نشستن داشت و دو پله»^{۲۴}.

در قرون اولیه به تبعیت از سنت پیامبر (ص)، همچنان منبرهای چوبی می‌ساختند. شماری بزرگی همچون: عنصری، فردوسی، فرخی و ابوحنیفه اسکافی نیز در اشعار

کار مرسوم بود.

مهمترین نمونه از منابر سنگی مصر، منبر مسجد آق سفتر (۱۳۴۶، ۱۳۴۷م)، منبر مسجد سلطان حسن ۲۷ و منبر موجود در مسرزه قساره در مقبره پرتوق است که در سال ۸۸۸هـ. ق/ ۱۴۸۳م در زمان سلطان قایت بیک ساخته شد. ۲۸ پس از معالیک، منابر سنگی مساجد عثمانی نیز بسیار چشمگیر می باشد. در ایران نیز از دوره صفویه دو مساجد در ملارس، از منابر سنگی در کنار منابر چوبی استفاده کردند، که نمونه بسیار خوب آن منبر یک پارچه سنگ مرمر مدوسه چهارباغ (مدوسه مادر) اصفهان می باشد که به طرز زیبایی ساخته شده است. ۲۹ البته، باید متذکر شد که در مساجد ایران قبل از صفویه،

شود، به جنس منابری اشاره کرده اند که از چوب ساخته می شد:

اگر چه از بلبلند هر دو به بود شادی زخم

ورچه از چوبند هر دو به بود منبر زدار

(عنصری)

همی درخت نماند زبس که او سازد

ازوعدو را دار و خطیب را منبر

(عنصری)

بدین دشت هم دار و هم منبر است

که روشن جهان زیر تیغ اندر است

(فردوسی)

ز آرزوی خطاب او ناتراشیده درخت

هر زمان اندر میان بوستان منبر شود

(فرخی)

ز یک پدر دو پسر نیک و بدعجب نبود

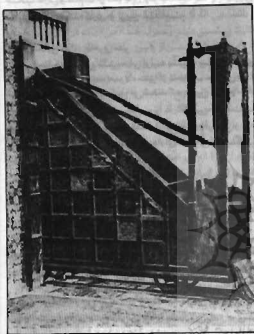
که از درختی پیدا شده است منبر و دار ۲۵

(ابوحنیفه اسکافی)

خوشبختانه، از منابر چوبی جهان اسلام تعداد زیادی باقی مانده است، که از آن جمله می توان منبرهای مساجد قیروان، علاء الدین قونیه، الخلیل در فلسطین، عمرودر قوص و سلیسیه در ترکیه را نام برد. در ایران نیز قدیمیترین منبر چوبی باقیمانده، منبر مسجد تالین است که بازسازی خاص ترین شده است.

بتدریج در دوره های بعد به همراه منابر چوبی، منابر سنگی نیز به وجود آمد که در سراسر جهان اسلام مورد توجه قرار گرفت. شاید یکی از عوامل مهم انتخاب جنس سنگ برای منبر، این بود که متأسفانه منابر چوبی زودتر از بین می رفتند و دوام و طول عمر منابر سنگی را نداشتند. دلایل گوناگون در از بین رفتن آنها وجود داشت که از جمله آنها می توان به آتش سوزیهای مختلف به دلیل سهل انگاری و کم توجهی مسلمانان در مساجد، جنگ و نزاع میان حکام و سلسله ها و کشیده شدن آن به داخل شهرها و اماکن دینی و غیردینی، و یوسیدگی و فرسودگی خود چوبها اشاره کرد.

منبر سنگی برای اولین بار در قرن ۸ هـ. ق/ ۱۲/ م در دوره معالیک (۶۲۸-۹۲۲هـ. ق/ ۱۲۵۰-۱۵۱۶م) در مصر ظهور کرد. ۲۶ هنرمندان مسلمان در انتخاب نوع سنگ، دقت بسیار زیادی به خرج می دادند و از سنگهای مختلف الالوان استفاده می کردند، و معمولاً در سلاک انتخاب خود، دوام، رنگ و مرغوبیت جنس را مورد توجه قرار می دادند. استعمال سنگهای مرمر و سنگهای دیگر به رنگهایی مانند قرمز، سفید، خاکستری و سیاه به صورت انفرادی یا ترکیبی از آنها، در میان هنرمندان



منبر مسجد جامع عجمه

منابر غیر چوبی مرسوم بود، اما نه از سنگ، بلکه با مصالح خود آن بنا و یا آرایش کاشیکاری که از آن جمله می توان منبر مسجد زوزن - نزدیک سرز ایران و افغانستان - و منبر مسجد جامع کاشان را نام برد. مسجد زوزن که به احتمال زیاد متعلق به دوره سلجوقی است، منبری از آجر و کاشی فیروزه ای دارد که با نقوش بسیار جالب ترین یافته است. ۳۰ همچنین، منبر مسجد جامع کاشان با کاشی معرق به طرز زیبایی آرایش یافته است. کتیبه این منبر که به خط رقاع نوشته شده است، دوران ساخت و تأسیس آن را نشان می دهد: «فی ابام دولة السلطان

الاعظم والخانان الانعم الاكرم غياث الدنيا والدين ابو سعيد
كوردگان - خلدالله ملكه و سلطانه ۲۱

در دوره فاطمیان مصر ۵۶۷، ۳۵۹ هـ. ق/ ۱۱۷۱-۹۶۹م نیز
چوب‌بری یکی از رایج‌ترین هنرهای بود که در تزئین منابر از
آن استفاده می‌کردند. منبر مسجد حسین در عسقلان که در سال
۲۸۲ هـ. ق/ ۱۰۹۱م ساخته شد و اکنون در مسجد الخلیل
فلسطین واقع است، ۲۲ و منبر مسجد عمرو که در سال
۵۸۱ هـ. ق/ ۱۱۸۵م ساخته شد و در شهر قوص در قسمت
علیای رودخانه نیل قرار دارد، از جمله مساجدی اند ۳۵ که دارای
چوب‌بری و کنده‌کاری و برجسته‌کاریهای آرایشی بسیاری
می‌باشند. اگرچه اشکال توریقی در دوره فاطمیان طرح تزئین
اصلی است، با این حال گاهی اشکال برگ مو و انگور در بین
اشکال برگ نخلی دیده می‌شود، که نمونه آن همین منبر عمرو در

تزئین و آرایش منبر
یکی از شاهکارهای هنری هنرمندان اسلامی که حیرت
همگان را برانگیخته، تزئینات بسیار ماهرانه و قش منابر است،
که در طول فیرون متشادی در سرزمینهای اسلامی از ایران گرفته
تا آندلس استمرار داشته است. اصولاً، در منابر چوبی هنرهای
مثل چوب‌بری، حکاکی، کنده‌کاری، شامتنکاری، فلزکاری و
منبتکاری و در منابر سنگی هنر حجاری، و در منابر آجری و
خشکی هنر کاشیکاری به کار برده شده است. اگر این گونه
هنرها را از منابر حذف کنیم، آن حالت زیبایی و هنری منابر
از بین خواهد رفت، و تنها یک عنصر بسیار ساده مطرح خواهد
شد.

آنچه در این گونه منابر مهم جلوه دارد، این است که
هنرمندان اسلامی با تمام وجود خود و با نهایت احساس
مسئولیت دینی و اعتقادی خود، همه فوق، سلیقه، استعداد،
خلاقیت و ظرافت هنرمندانه خود را در تزئین منابر به کار
می‌گرفتند. در واقع، همان انگیزه و اعتقاد آنان بود که از جنبه
هنری بر منابر اعتبار و عظمت خاص بخشیده، و محققان را به
احجاب واداشته است.

قبل از اینکه به هنر چوب‌بری و کنده‌کاری و هنرهای دیگر
مذکور در منابر بپردازیم، لازم است به این سؤال پاسخ داده
شود که در تزئین منابر از چه اشکال و طرح‌هایی استفاده می‌شد؟
طرح‌هایی که در منابر، به کار گرفته شده است، عموماً
اشکال هندسی بود، که در داخل آنها نقوش اسلیمی و اشکال
نباتی (مو و نخل) نیز به کار می‌رفت. هنرمندان اسلامی عناصر
داشتند که در منابر کمترین به تصویرنگاری، چهره‌نگاری و
نقاشیهای نظیر آن که در نقاط دیگر مساجد، مدارس یا کاخها به
کار می‌گرفتند، بپردازند. آنان از ترکیب اشکال هندسی
(خط، زاویه، مربع، مکعب، کثیر الاضلاع، مخروط، مارپیچ،
دایره و کره) صدها طرح نو، شیکه و متشابه رسم کردند، و آثار
هنری جالب و زیبایی را به وجود آوردند. ۳۳ البته، به طوری که
گفته شد، هنرمندان اسلامی از اشکال توریقی و نباتی (برگ
انگور و برگ نخل) و نقوشهای اسلیمی نیز در کنار اشکال
هندسی به صورت مستقل یا ترکیبی استفاده کردند.

از آنجایی که اکثر منابر مساجد تا قرن ۷ و ۸ هـ. ق از چوب
ساخته می‌شد، لذا چوب‌بری، کنده‌کاری و حکاکی از مهترین
هنرهای تزئین در منابر چوبی به شمار می‌رفت. نخستین منبر
چوب‌بری و کنده‌کاری شده، منبر مسجد فیروان است. این
منبر از چندین ردیف که هر کدام به قسمتهای مستطیل شکلی
تقسیم می‌شد، ترکیب شده بود. هر قطعه مستطیل شکل با
اشکال منسبک هندسی با شکل نباتی منبسط و اشکال
مطوماری، تزئین می‌شد. ۳۴



منبر مسجد ابن طلوع - قوص - مصر

شهر قوص است، که ذکر آن گذشت. ۳۵ در دوره سلجوقیان نیز
هنر چوب‌بری با مهارت خاص دنبال شد، و منابر نیز مثل سایر
عناصر معماری، به وسیله این هنر تزئین گردید. علی‌رغم کمبود
آثار چوب‌بری باقیمانده از دوره سلجوقی، خوشبختانه ۲ قطعه
از یک منبر ساخت قرن ۶ هـ. ق در متروبولیس وجود دارد. یکی
از آنها قطعه بزرگی است که کتیبه‌ای به خط کوفی در چند سطر
بر آن منقوش و طرح‌های توریقی و نباتی روی آن کنده شده
است. قطعه دیگر، قسمتی از چهارچوب یک منبر است که
دارای قسمتهای شش گوش و طرح‌های بزرگ نخلی است، این

طرح‌های چندمغسل و به روش چوب‌بری و کنده‌کاری، تزئین یافته بود.^{۳۹}

شاید در هیچ دوره‌ای از هنر اسلامی به اندازه عصر مملوکان مصر، به تزئین و آرایش اشیا و ادوات مساجد، مدارس و آرامگاهها نپرداخته‌اند. مهم‌ترین اثاثیه‌ای که با وجود ثابت بودن شکل آن هر بار از نظر تکنیک و تزئین راه‌حلهای تازه‌ای برایش پیدا می‌شد، منبر بود.

هنرمندان ممالیک، اسلوب جدیدی در حکاکی و تزئین منابر ابداع کردند که بتدریج در آرایش درها، سقفها و دیوچه‌های پشت پنجره نیز به کار برده شد. شیوه مذکور به این صورت بود که هنرمند ابتدا چهارچوب صندوق مانند منبر را به مناطق نامنظمی تقسیم می‌کرد. آنگاه هر قسمت را با قطعات حکاکی شده و آرایش یافته بزرگ یا کوچکسی از همان چوب یا چوب دیگری یا با استخوان یا عاج تزئین می‌کرد. این روش راه را برای تکامل به سوی تزئین با مواد مختلف (خاتم کاری) باز کرد. لذا، بهترین و زیباترین منابر این دوره توسط هنرمندان خوش ذوق و سلیقه به منصفه ظهور رسید، و همه هنرهای تزئینی چه به صورت مستقل و چه به صورت ترکیبی از قبیل: چوب‌بری، حکاکی، کنده‌کاری، خاتم‌کاری و منبتکاری به کار گرفته شد. از این نوع منابر که تا به امروز کاملاً سالم باقی مانده است، می‌توان منبر مسجد صالح طلاع و منبر مسجد ابن طولون را نام برد.^{۴۱}

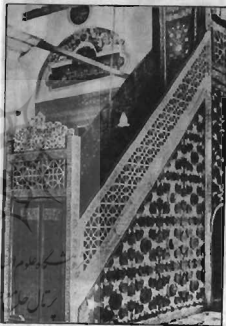
قلز کاری از دیگر هنرهای بود که هنرمندان مصری وقته وقته در تزئین منابر، رایج کردند. آنان با استفاده از نقره و طلا، به ترسیم منابر پرداختند که از آن جمله منبر ساخته شده در سال ۷۲۸ هـ. ق است، که در موزه صنایع اسلامی قاهره نگهداری می‌شود.^{۴۲}

در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، قطعاتی از منبر مسجد ابن طولون که در سال ۶۹۶ هـ. ق/ ۱۲۹۶ م) به امر سلطان لاجین ساخته شده، موجود است. این موزه نمونه‌های عالی دیگری از چوب‌بری دوره ممالیک و از جمله چند قطعه از منبر الماروانی دارد. تزئینات این قطعات در ۲ سطح کنده شده و شبیه منبر لاجین است، ولی ساخت آن بهتر و پرکارتر می‌نماید. در همین مجموعه، قطعات دیگری که ممکن است به منبر مسجد قوصون که در حدود ۷۲۸ هـ. ق/ ۱۳۲۷ م ساخته شده - تعلق داشته باشد، وجود دارد.^{۴۳}

هنرمندان یا ممالیک در مصر، اهلخانات نیز دربار آن به هنر و معماری اهمیت زیادی می‌دادند، بویژه از دوره غازان خان که از اعتقادات گذشته خود دست برداشتند و به آیین اسلام گرویدند، هنر اسلامی نیز مورد توجه خاص شاهان مغول قرار گرفت. شاید تنها منبر بسیار زیبایی که از این دوره باقی مانده است، منبر مسجد نائین باشد که در سال ۷۱۱ هـ. ق ساخته شد. این منبر قطعات مستطیل شکل، با اشکال هندسی و برگه‌های مسدود تزئین شده است. چوب‌بری و کنده‌کاری این

قطعه، کتیبه جالب توجهی دارد که نام کسی که آن را هدیه کرده و نام سلطان وقت، علاء الدوله ابوالجبار گرشاسب یزدی که در خلافت سلاجقه بوده، روی آن نقش شده و تاریخ آن ۵۴۶ هـ. ق/ ۱۱۵۱ م است.^{۳۷}

از دوره سلاجقه روم نیز منبری باقی مانده که در سال ۵۵۰ هـ. ق/ ۱۱۵۵ م ساخته شده است، و در مسجد علاء الدین در قونیه قرار دارد. در این منبر، بهترین و قدیمیترین صنعت چوب‌بری و کنده‌کاری دوره سلجوقی به کار رفته است. طرح‌های تزئینی و نباتی این منبر دارای برگهای مدور، و شبیه طرح‌های چوب‌بری قرن ۸ هـ. ق. ترکان امپوروی آسیای وسطی است.^{۳۸}



منبر مسجد جامع اوزون، ازمسیر، ترکیه

همچنین، منبر بسیار باشکوه‌ای از دوره صلاح الدین ایوبی ۵۴۲-۵۸۹ هـ. ق/ ۱۱۶۹-۱۱۹۳ م باقی مانده است که ظاهراً آن منبر را به دستور وی در سال ۵۸۳ هـ. ق/ ۱۱۸۷ م در شهر حلب از چوب سدر ساخته بودند تا پس از فتح اورشلیم، به مسجد الاقصی اهدا کند. پس از آنکه صلاح الدین بیت المقدس را تصرف نمود، آن منبر را وقف مسجد الاقصی کرد. این منبر با



منبر مسجد جهمان، اسپانیا، لورکیا

است از قطعات مرمری که به اشکال هندسی متشابهک و اشجار نخل و اشکال توریقی به سبک منسری اسپانی که توسط هنرمندان آندلسی به شمال آفریقا آورده شده بود، حک شده است.^{۲۷}

مسجد قرورین، نمونه دیگری از منابر حکاکی شده دوره مراطین است، که در قرن ۱۲ هـ. ق ساخته شد.^{۲۸}

از چوب‌بری و حکاکی دوره موحدین نیز ۲ منبر عالی باقی مانده که یکی در مسجد کتوبه در مغرب (مراکش) و بین سالهای ۲۵۵۵-۲۵ هـ. ق/ ۱۱۵۰-۱۱۶۰ م ساخته شده، و دیگری منبر مسجد عقبه است. تزئین دو طرف این منبرها عبارت است از اشکال با اضلاع متعدد و قطعاتی در داخل آنها، که به شکل اشکال هندسی درآمده و متناسب با ساخت منبر است. قطعات مختلف دارای اشکال نباتی و طوماری است که با دقت بسیار و جزئیات کامل حکاکی شده است، و شخص را به یاد حکاکی روی عاج مکتب غربی و اسپانیایی قرن ۴ و ۵ هـ. ق/ ۱۰ و ۱۱ م می‌اندازد. تزئین این منبر با استعمال قطعات پارک استخوان و چوبهای قیمتی، غش تر و مفضلتر شده است.^{۲۹}

منبر مسجد بوغانیه در شهر فاس (فز)، از جمله منابری است که اشکال هندسی به اسلوب مصری و عربی در آن استفاده شده است.^{۳۰}

جایگاه معنوی و نمادی منبر

صرف نظر از کاربرد ظاهری منبر به عنوان مکان سرفرع و بلندی برای خواندن خطابه و وعظ، نمای روحانی، معنوی و نمادی آن نیز بسیار مورد توجه بزرگان اسلام بود. حضرت پیامبر (ص) وقتش بر منبری که برای وی ساخته شده بودند نشستند، فرمودند: این منبر من بر ترعه‌ای از ترعه‌های بهشت قرار دارد، و پایه‌های آن در بهشت استوار است.^{۳۱}

در طول تاریخ اسلام، مسلمانان با تأسی از حضرت پیامبر (ص)، جایگاه رفیع منبر را بسیار مقدس و روحانی می‌دانستند. از نظر مسلمانان امام جماعت یا خطیبی که بالای منبر می‌رفت، در واقع در جایگاه یک شخص مقدس همچون رسول اکرم (ص) می‌نشت، و اقتضای آن مکان ایجاب می‌کرد که شخص مذکور خود را متعلق به ویژگی‌های آن بزرگوار بنماید، و راه و روش پیامبر اکرم (ص) و مکتبش را به مردم القا بکند. و اگر افراد نالایقی به منبر می‌رفتند، مورد اعتراض مردم قرار می‌گرفتند، علما آن را نشانه نخوت و جاه طلبی آنها می‌دانستند، و شعراً با لسان شعر به هجو و تفسیح آنها می‌پرداختند، چنانکه تفحلی خان صبا می‌گوید:

گام بر منبر احمد زده اکنون بوجهل

نکه بر مست مهنی زده اینک دجال

منبر از لحاظ کار و همچنین تزئین آن، از اسلوب دوره سلجوقی اقتباس شده بود.^{۳۲}

در جهمان اسلام پس از مالیک و ابلخاتان، باید از شاهکارهای هنر و معماری امپراتوری عثمانی یاد کرد. عثمانها به لحاظ اینکه خود را جانشین خلفای عباسی و در جایگاه رهبریت جهان اسلام می‌دانستند، لذا به اسکان مقدس بویژه مساجد اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. آنان در دوران خود بیشترین، با عظمت‌ترین و زیباترین مساجد را ساختند که دهها نمونه از آنها با همان عظمت و استواری باقی مانده است.

خوشبختانه، اکثر منابر این دوره هنوز در مساجد ترکیه با دو موزه‌های آن نگهداری می‌شود. هنرمندان عثمانی با استفاده از تجربه‌های مالیک و ایرانیان، هم در ساختن منابر چوبی و هم سنگی، مهارت خاصی پیدا کردند. منابر سنگ مرمر آن دوره و تزئینات حجاری شده آنها که هنوز باقی است، زیانزد خاص و عام می‌باشد. هنرمندان عثمانی نیز در تزئینات منابر چوبی و طرحهای آن از اشکال هندسی و نباتی استفاده کردند، که از آن جمله می‌توان از منبرهای مسجد: بیمارستان در دیورکی، جامع اولو در ازمیر و سلیمیه در ادرنه، نام برد. منبر باشکوه مسجد سلیمیه به طرز شگفتی آویز یا دایره‌های پیچ در پیچ کنده کاری شده است. این منبر از نیرخ مثلثی متساوی الاضلاع ترسیم می‌کند، که تکراری است از مثلث تزئینی مرکز و حساوی یک دایره، که همان مثلث کامل افلاطون است.^{۳۳}

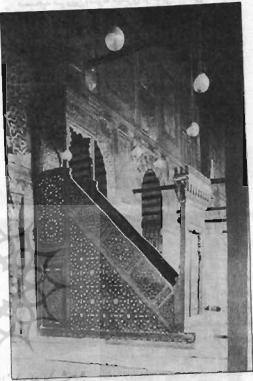
در غرب جهان اسلام یعنی در شمال آفریقا و اسپانیا (آندلس)، نیز منبرهای بسیار زیبا توسط هنرمندان توانای آن سامان ساخته شد که چند نمونه آنها - متعلق به قرن ۱۱ و ۱۲ م - محفوظ مانده است. قدیمیترین منبر این منطقه، منبر مسجد جامع الجزیره است که در سال (۲۷۵ هـ. ق/ ۱۰۸۲ م) توسط هنرمندان سلسله مراطین^{۳۴} ساخته شد. تزئینات آن، عبارت

مرحله و یک گام به جلو پیش رفته و قید و بندهای دنیوی و مادی را پشت سر یا زیر پا گذاشته و به مقصد و مقصود که همان خشنودن مستحصال است نزدیکتر شده، و در روز هفتم به اعلی‌العلین رسیده است. و در منابر نه پله ای وقتش واعظ به پله نهم می‌رسید، گویا به فلک نهم - که فلک الانسلاک می‌باشد، رسیده است. و به لحاظ اقتضای وجودی انسان که تذکر و تکرار لازمه آن است، بار دیگر از اول هفته این ترتیب و تکرار شروع می‌شود.

همچنین ستای می‌گوید:
حسرت آن را کی بود کز دغمه زی دوزخ رود
حسرت آن را کش به دوزخ از سرمتر بر نرد ۵۳

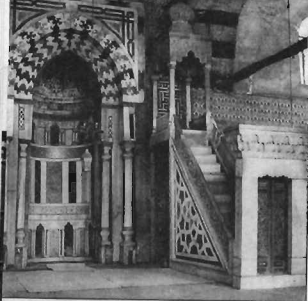
پانوشتها:

۱. منجد الطلاب، واژه‌ها متر
۲. لغت نامه دهخدا، واژه‌های کرسی، اورنگ، ننگه، و سریر
۳. بزرگهارت، نیتوس، هنر اسلامی زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات سروش، ج ۱، ۱۳۶۵، ص ۱۰۳
۴. کوه صفا، مرود، حجر اسماعیل و بازار عکاظ، از جمله مکاتلهایی بودند که در منابع تاریخی چون طبری، یعقوبی و مسعودی به عنوان مکان تبلیغ و ترویج آیین اسلام از سوی حضرت پیامبر (ص) مطرح شده‌اند.
۵. توبی، شهاب‌الدین احمد، نهج‌الارباب فی فنون الادب، ترجمه مسعود مهدوی دامغانی، انتشارات امیرکبیر، ج ۱، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۹۹-۲۰۰
۶. یعقوبی، ابن رافع احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محسن‌الرحیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲-۱۴۰، هنر اسلامی زبان و بیان، ص ۱۰۳ همان، ج ۲، ص ۵۴
۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مسروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۹
۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۲
۱۰. نهج‌الارباب فی فنون الادب، ج ۷، ص ۱۲۸
۱۱. از آرنج تا انگشتران یا از مرفق تا نونک انگشتران را فراع گویند، که تقریباً ۲۸ سانتیمتر است.
۱۲. ابن رسته، الاعلاق النضیة، ترجمه حسین فره‌چاللو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵، صص ۸۷-۸۶
۱۳. همان، ص ۸۸
۱۴. پایادوبولو، معماری اسلامی، ترجمه حشمت جبرئیل، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ج ۱، ۱۳۶۸، ص ۱۱
۱۵. نهج‌الارباب فی فنون الادب، ج ۷، ص ۱۲۸
۱۶. زرین کوب، عبدالحمید، تاریخ فر ترازو، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۶
۱۷. معماری اسلامی، ص ۱۲
۱۸. دهخدا، ص ۴۰، راهنمای منابع اسلامی، ترجمه عبدالله فهرا، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۱۳

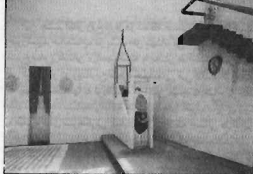


متر مسعودی - قاهره، مصر

در معنای نمادی منابر نیز می‌توان گفت، شکل نمادین گنبد منبر نشانه تقدس شخصیتی بود که در زیر آن می‌نشست، و شکل نمادی پله‌ها به مفهوم نردبان جهان است که از مراحل دنیوی و روحانی می‌گذرد و به روح مطلق می‌انجامد. واعظ و خطیب به هنگام بالا رفتن از منبر، در واقع قطع ارتباط از مادیات و زمین می‌کرد و به ملکوت اعلی‌ عروج می‌نمود. گفته‌اند که در منابر هفت پله‌ای امام جماعت هر روز از یک پله بالا می‌رفت و خطبه می‌خواند. تعبیر نمادی آن، این است که امام جماعتی که هر روز از یک پله وعظ و خطابه می‌کرد و در نهایت به پله آخر می‌رسید، در واقع می‌خواست این را بیان بکند که هر روز یک



مدیر مسجد آق سقراط، قاهره، مصر



مدیر مسجد شرف الدین (صوفیه)، ویسواکر، بوستنی

هدف دیگری ندارند. آنان براساس همین هدف، بشریج در قیابیل
 عرب و بربر شمال آفریقا استیلا یافتند، تا اینکه در سال ۲۵۲ هـ. ق.
 به طور رسمی حکومت دینی خود را تشکیل دادند. نخستین سلطان
 مرابطین، یوسف بن تاشفین بود که شهر مراکش را بنا نهاد، و آن را
 پایتخت خود قرار داد. رک: ابن خلدون، عبر، ج ۵، صص ۱۸۸-۱۸۹
 ۲۷ و ۲۸. راهنمای صنایع اسلامی، ص ۱۲۶
 ۲۹. موحدین سلسله سلاطین بودند که در شمال آفریقا و اسپانیا
 سلطنت داشتند. پیشوای این سلسله ابوعبدالله محمد بن تومرت
 بود که پس از وی برادرش، عبدالعزیز، به جانشینی انتخاب
 شدند. وی در سال ۵۲۱ هـ. ق. با مغلوب کردن سلسله مرابطین،
 حکومت اندلس و شمال آفریقا را به دست گرفت. موحدین در سال
 ۶۲۲ هـ. ق. با شکست خود در اسپانیا آنجا را ترک کردند، و در سال
 ۶۶۷ هـ. ق. توسط قبیله بنی مرین در مراکش منقرض شدند.
 ۵۱ و ۵۰. راهنمای صنایع اسلامی، ص ۱۲۶
 ۵۲. نهاية الأرب فی فنون الأدب، ج ۱، ص ۲۰۰
 ۵۳. لغت نامه دهخدا، واژه متر

۱۹. معماری اسلامی، ص ۱۲، زوری، کارل. چی، متر اسلامی، ترجمه
 رضا بصیری، انتشارات پساواری، ج ۱، ۱۳۶۸، ص ۳۳
 ۲۰. متر اسلامی، ص ۱۰۲
 ۲۱. معماری اسلامی، ص ۱۲
 ۲۲. نظامی، مخزن الاسرار، تصحیح وحید، ص ۹
 ۲۳، ۲۴. نهاية الأرب، ج ۱، ص ۲۰۰
 ۲۵. لغت نامه دهخدا، واژه متر
 26-27. Rogers, Michael, *The spread of Islam*, Oxford, 1976,
 p.80

۲۸. راهنمای صنایع اسلامی، صص ۱۰۹، ۱۱۹
 ۲۹. کیانی، محمدیوسف، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی،
 انتشارات سمت، ج ۱، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳
 ۳۰. همان، ص ۶۷
 ۳۱. همان، ص ۸۰
 ۳۲. ویسل دورانت، تاریخ تمدن، انتشارات آموزش انقلاب
 اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۸، ج ۲، بخش اول، ص ۳۲۹
 ۳۳. راهنمای صنایع اسلامی، صص ۱۱۲، ۱۱۳
 ۳۴. کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، انتشارات
 توس، ج ۳، ۱۳۶۸، ص ۶۶، راهنمای صنایع اسلامی، ص ۱۱۸
 ۳۵. متر اسلامی، ص ۶۶، راهنمای صنایع اسلامی، ص ۱۱۸
 ۳۶. همان، ص ۱۱۸
 ۳۷. همان، صص ۱۲۱، ۱۲۲
 ۳۸. همان، ص ۱۲۲
 ۳۹. براین، کریستین، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود وجب‌نیا،
 انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، ۱۳۶۲، ص ۵۵
 ۴۰. متر اسلامی، ص ۱۳۶
 ۴۱. راهنمای صنایع اسلامی، ص ۱۱۹
 ۴۲. همان، ص ۱۲۸
 ۴۳. همان، صص ۱۱۹، ۱۲۰
 ۴۴. همان، ص ۱۲۳
 ۴۵. معماری اسلامی، ص ۲۸۳
 ۴۶. مرابطین افرادی زاهدپیشه و پرهیزکار در شمال آفریقا بودند، و
 ادعا داشتند که برای حق نیام کرده‌اند و جز احیای حق و دین، هیچ